

گفت‌وگو با دکتر نائینی

رئیس دانشکده عمران دانشگاه تهران

اساتید خیلی خوبی داریم که همین جا پرورش پیدا کرده‌اند



کیهان: ما توانسته‌ایم رتبه ۱۳ در تولید علم در جهان را کسب کنیم، شما آینده این جایگاه را چطور ارزیابی می‌کنید؟

نائینی: تلاش همه اساتید اعم از دانشگاه تهران و غیره در بالابردن رتبه علمی و خودکفا کردن ایران از نظر علم است.

الآن در خیلی از حوزه‌هایی که اساتید ما کار می‌کنند تقریباً

می‌توانم بگویم جزو افراد شاخص در حد جهانی هستند و خیلی از افراد به مقاله‌های آنها رایج می‌دهند. برای مثال در مدیریت منابع آب. الان هم تلاش بسیار زیادی در دانشگاه روی ارتقای کارهای کاربردی از جهت کارهای آزمایشگاهی انجام می‌دهند. قبلاً ما تولید علم را تنها به صورت تئوریک انجام می‌دادیم. الان هدف بیشتر این است تا کارها و تحقیقات آزمایشگاهی افزایش پیدا کنند.

با این حساب به طور قطع و یقین پیشرفت خواهیم داشت و با تلاش‌هایی که دوستان ما می‌کنند این پیشرفت‌ها به دست متخصصان خودمان انجام خواهد شد. ما در چند سال گذشته هر سال پیشرفت داشته‌ایم. برای مثال در رشته عمران ما در سال ۲۰۱۲ جزو دانشگاه‌های برتر دنیا قرار گرفتیم و این رتبه‌بندی‌ها را ما هر سال پیشرفت‌اش را دیده‌ایم. تلاش اساتید این هست که با چنگ و دندان کشور اسلامی‌مان پیشرفت کند و به رتبه‌های بالاتری دست پیدا کند.

«در این فصل **شما وضعیت دانشجویان ما را چگونه ارزیابی می‌کنید، دانشجویان ما می‌توانند ایران را به عنوان یک الگو در منطقه یا جهان مطرح کنند؟**»

با توجه به اینکه من با دانشجویان سر و کار دارم، تلاش دانشجویان را بیشتر می‌بینم. زمینه آماده شده است و دانشجویان نیز طالب هستند. الان تلاش‌های پیگیر دانشجویان را می‌بینم. برای کارهای علمی و در سطوح بالاتر تلاش می‌کنند تا به نحوی خودشان را نشان دهند و ما چنین پتانسیلی داریم و این پتانسیل است که در دانشجویان ایران دیده‌ام.

«**کیفیت آموزش عالی ما را چقدر قابل عرضه به کشورهای دیگر می‌بینید؟ چقدر این امکان وجود دارد که دانشگاه‌های ما از کشورهای دیگر دانشجو پذیرش کنند؟**»

بله، امکان‌ش هست. اساتید ما طوری درس را ارائه می‌دهند که دانشجو در هر بحث تبحر خود را داشته باشد. برای مثال اگر در زمینه عمران بگویم در تمامی زمینه‌های آب و سازه و خاک دانشجویان طوری تربیت می‌کنیم که تبحر لازم را داشته باشند. لذا به این کیفیت خیلی اهمیت می‌دهیم و این قابلیت هست که بتوانیم این را به دانشجویان دیگر کشورها نیز عرضه کنیم.

«**ما در گذشته در زمینه علمی وابستگی‌هایی داشتیم و براساس آن اقدام به اعزام دانشجو به خارج می‌کردیم با توجه به پیشرفت‌های کنونی که داریم آیا همچنان لازم است به صورت قبل اقدام به اعزام دانشجویان به خارج کنیم؟**»

– الان ما اساتید خیلی خوبی داریم که همین جا پرورش پیدا کرده‌اند که جزو بهترین اساتید ما در دانشگاه هستند. به آن صورت گذشته به نظر می‌رسد نیازی به بورس نباشد مگر آنکه در رشته‌های بسیار خاصی که البته الان در این زمینه‌ها هم پیشرفت‌های خوبی داشته‌ایم ولی ممکن است تکنیک‌هایی باشد که به آنها نیاز داشته باشیم که از هم می‌توانیم با یک سری ارتباط‌هایی که داشته باشیم با این فناوری را هم کسب کنیم که البته اینها همان تبادل علم است. اما از نظر بورس تحصیلی خیلی نیاز ما کم شده است. برای بورس کردن به خارج از کشور، الان از کشورهای اطراف دانشجویان دکتری به اینجا می‌آیند و خیلی هم راضی هستند و بارها هم به عنوان ادامه تحصیل و هم به عنوان فرصت مطالعاتی اینجا می‌آیند و کارهای تحقیقاتی‌شان را همراه اساتید ما در اینجا انجام می‌دهند.

«**اساتید ما در دانشگاه‌ها چقدر می‌توانند روحیه خودباوری**

را به دانشجویان منتقل کنند؟ نقش آنها در این امر چقدر است؟»

– خیلی مهم است این نقش و همچنین نقش‌های فرهنگی اساتید. به نظر من فقط نوشتن مقالات و روابط و رفتن این‌ها به عنوان یک استاد کافی نیست. منش استاد خیلی مهم است در مسائل فرهنگی. اساتید باید در بین دانشجویان باشند که داشته باشیم یا نه. نحو عملی منش اساتید را ببینند و به طور عملی آموزش ببینند به این شکل می‌توانند خودباوری را به دانشجویان خودشان منتقل کنند.

گفت‌وگو با دکتر حسین روحانی، استاد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

باید دانشجویان را داخل کشور تربیت کنیم



کیهان:موسسه‌هایی

رتبه ۱۲ را به ایران برای تولید علم درجهان اختصاص داده‌اند، نظر شما چیست و آینده این جایگاه را چگونه می‌بینید؟

کیهان: جایگاه علمی ایران

بیش از این چیزی است که اعلام می‌کنند. جایگاه علمی ایران درخلی

از مسائل به خصوص نانو تکنولوژی،

انرژی هسته‌ای و صنایعی که ارزش

افزوده بالایی دارند توانسته موفقیت‌های چشمگیری کسب کند، امروز

رسانه‌های غربی و کسانی که دشمن ما هستند به این نکته اذعان می‌کنند

که جمهوری اسلامی ایران توانسته به قله‌های علمی دست پیدا کند. من

فکر می‌کنم با توجه به نیروی انسانی که در اختیار داریم قطعاً می‌توانیم

رتبه‌های بهتری کسب کنیم و پیشرفت‌های چند سال اخیر هم مؤید

همین مطلب است.

«**پتانسیل دانشجویان ما در این زمینه چگونه ارزیابی می‌کنید**

در رسیدن به قله‌های علم و فناوری درمنطقه و جهان؟»

– قطعاً چنین پتانسیلی وجود دارد ما نیروی انسانی خیلی کارآمدی داریم. خوشبختانه بعداز انقلاب اسلامی هم سرمایه‌گذاری‌های خوبی در بخش‌های علمی انجام شده و به جهت نیروی انسانی کارآمد من در این

تک‌شکلی نذارم که ما می‌توانیم در سه یا چهار سال آینده پیشرفت‌هایی

بیشتر از سالهای پیش داشته باشیم.

«**کیفیت آموزشی دانشگاه‌های ما را چطور می‌بینید؟**

–خصوصی کیفیت دانشگاه‌های ایران بعضی وقتها برخی از دوستانی

که قبلاًشاه غرب است جایگاه دانشگاه‌های ما را زیر سؤال می‌برند در

صورتی که دانشگاه‌های ما هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی سطح

خوبی دارند و با توجه به فراغ‌التحصیلان آنها و سطح سواد‌شان می‌توان

به این نکته رسید. برای مثال دانشگاه شریف، دانشگاه تهران و خیلی از

دانشگاه‌های مدر، حتی دانشگاه‌های آزاد، اینها هم کیفیت بسیار از کارهای

که آنها می‌کنند و مقاله‌هایی که می‌دهند درسطح جهانی برد دارد و به آنها

ارجاع داده می‌شود. دراین زمینه هم کشور ما باید در جذب دانشجویان

خارجی پیشرو باشد به خصوص کشورهایی که از لحاظ شرایط فرهنگی و

بومی فرابت خوبی با ما دارند.

«**با این حساب شما اعزام دانشجویان داخل را به خارج چقدر**

ضروری ارزیابی می‌کنید؟

– با توجه به اینکه پتانسیل داخلی را برای تربیت دانشجو داریم چه

نیازی است که این نیروی انسانی را که آماده خدمت به نظام هستند تشویق

بکنیم. به اینکه بروند به خارج درس بخوانند. الان در بسیاری از رشته‌ها ما

می‌توانای رسیدیم که نیروهای داخلی‌مان از تمام بکنیم چه به لحاظ

کمی و چه به لحاظ کیفی. به نظر من اصل فرستادن دانشجو به خارج

چندان با عقل جور درمی‌آید مگر تحت شرایط خاصی. اصل براین باید

باشد که دانشجوی داخل کشور تربیت شود و این حرف هم حرف من نیست،

حرف است که (اماره) فرموده‌اند و برآن تاکید کرده‌اند.

اشاره:

مصاحبه هفته گذشته با دکتر مسلمی مدیرکل بورس وزارت علوم، واکنش‌های فراوانی را در بین دانشجویان و اساتید برانگیخت که همگی حاکی از احساس مسئولیت و دردمندی جامعه دانشگاهی بود. بخصوص واکنش جامعه دانشگاهی به این سخن مدیرکل بورس که «ما نباید مغرور شویم» و نیز آنجا که روابط انسانی بین اساتید و دانشجویان کشورمان را زیر سؤال برده بود. واکنش های جامعه علمی کشور به آن مصاحبه بسیار غیورانه و قابل تحسین بود و البته یک سؤال در همه این سخنان به شکل‌های گوناگون تکرار می‌شد و آن اینکه موضع وزارت علوم در این باره چیست؟ چرا نسبت به سخنان عجیب این شخص واکنشی نشان نمی‌دهند؟! کیهان از بین خیل تماس‌ها و نامه‌های وارده، در این شماره به نامه دردمندانه یک استاد و مصاحبه با اساتید دیگر دانشگاه بسنده می‌کند و این باب را برای هفته‌های آتی نیز مفتوح می‌گذارد.

نامه یک استاد دانشگاه در پاسخ به مصاحبه مدیرکل بورس

«چندین چراغ دارد و بیراهه می‌رود»



این سخن آقای دکتر «که ما نمی‌توانیم لوله بسازیم» یا اینکه، «باید مغرور شویم!» را با این سخن حضرت امام مقایسه کنیم تا همه چیز برابمان روشن شود.

«ما را در غفلت و در خواب نگه داشتند که ما هیچ یک از امور صنعتی را قادر بر تحقیق نیستیم. ملت ما فقط لولهنگ می‌تواند بسازد. کار دیگر از آن نمی‌آید. باور کرده بود این ملت بیچاره روی تبلیغاتی که قدرت‌های پیشرفته و بزرگی کرده بودند، و تبلیغات داخلی که وابستگان به آن قدرت‌ها کرده بودند به اینکه ما باید همه چیزمان را خارج باشیم. ما باورمان آمده بود یا بسپاری از ما، که غرب یک نژاد برتر است.»

اصرار ایشان بر این که باید برویم به غرب! ما هیچ نداریم! هاسی تک(Hitech)، مدیوم تک(Medium Tech) و حتی لوتک (Low Tech) هم نداریم! باید برویم به غرب و البته آنها هم این‌ها را می‌دهند! اما آیا این لحن منطبق بر آموزه‌های امام راحل است؟

«می‌گویند باید برویم به سراغ اروپا... اینها ما را می‌برندن برای اینکه تعلیم کنند، تعلیم نمی‌کردند. جوان‌های ما را می‌برندن یک دسته را فاسد می‌کردند، یک چیزهای ناقصی تعلیم می‌کردند! میان راه اینها را رها می‌کردن بیبایند. ما از هی بازی دادند، کشور ما را هی بازی دادند، ملت ما را هی بازی دادند که ما می‌خواهیم شما را برسانیم. به تمدن بزرگ! وقتی رفتند دیدیم که تمدن بزرگ که نبود هیچ، ما را منطبق کردند تا حدی که همه چیزمان وابسته به غیر بود.»(صحیفه امام ج۳)

موضوع وقتی تاسف بار می‌شود که ببینیم، ضعف و نیاز شخص مصاحبه‌شونده که با یک احوال‌پرسی استاد زانی‌اش برطرف شده، وسیله توهین و تحقیر میلیون‌ها استاد و دانشجوی ایرانی می‌شود، به فرض که استاد زانی، احوال شما را پرسید و فهمید که خانواده‌داری، این چه ربطی به دانشجویان و اساتید ایرانی دارد، شما چنین نیازی داشتید و توسط ایشان برطرف شد، این چه چیزی را ثابت می‌کند؟ آیا باید خیل عظیم دانشجویان کشورمان که روابط انسانی و دوستانه با اساتید و مسئولان دانشگاه دارند را فراموش کنیم و به دنبال قبله آمال شما در ژاپن و غرب باشیم؟ آقای دکتر اگر شما ندیده‌اید یا شیفتگی غرب اجازه نداد ببینید اما اینجانب رئیس دانشگاه‌های زیادی را دیده‌ام که تا نیمه شب به دنبال حل مشکل شخصی دانشجویان بوده‌اند اساتید را دیده‌ام که از جان و دل، جانانه و بی‌ریا به دنبال کمک به فرزندان‌شان در دانشگاه بوده‌اند و حتی کمک مالی به آنها کرده‌اند. آن وقت الگوسازی شما از غرب در مقابل این نسخه‌های موجود و زنده چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟ در جایی گفته‌اید علوم انسانی در غرب تحقق پیدا کرده است و باید برویم و یاد بگیریم! آیا آنچه در غرب از فروپاشی خانواده، زندگی با سگ و گربه شاهدیم تحقق علوم انسانی موردنظر شماست؟ آیا تجارزهای تکان‌دهنده، مستی و شرب خمر و کشتار در مهدکودک و سینما

گفت‌وگو با دکتر صادقی‌زاده، دکترای جامعه‌شناسی سیاسی و مدرس دانشگاه



وابستگی ما

با بورس

تشدید

می‌شود

انجام شود آورده‌اش مستقیماً محصول کشور خودمان باشد و در خدمت پیشرفت کشور خودمان قرار گیرد. دلیل این خودآگاهی که امروزه در بین دانشجویان ما هست این است که اینها الان فهمیده‌اند دقیقاً باید روی کدام نقاط دست بگذارند. روند نوپدیش این است که ما در آینده به سمت یک الگوی کاملاً مستقل بومی تولید علم در کشور پیش برویم و آن را احیا کنیم. بسازیم.

–چقدر رشد کمی با خیلی پیشتر از رشد کیفی است که داریم اما این موضوع رسته‌به‌رشته و شاخه به شاخه فرق می‌کند برای مثال، در حوزه‌های فنی و پزشکی هم انظر کمی و هم ازنظر کیفی رشد خیلی خوبی داشته‌ایم در این قصبه می‌توانیم مخاطبان بین‌المللی خودمان را داشته‌ایم در ده‌های گذشته اصلاًحاشا سعی می‌کردیم سنگ‌هایی تولید

خودش را دارد مثلاً ما در جهان اسلام به راحتی می‌توانیم این ادعا را بکنیم. مشکل اصلی ما در حوزه علوم انسانی است که ما رشد کمی

دانشگاه

Daneshgah@Kayhannews.ir

مصاحبه هفته گذشته با دکتر مسلمی مدیرکل بورس وزارت علوم، واکنش‌های فراوانی را در بین دانشجویان و اساتید برانگیخت که همگی حاکی از احساس مسئولیت و دردمندی جامعه دانشگاهی بود. بخصوص واکنش جامعه دانشگاهی به این سخن مدیرکل بورس که «ما نباید مغرور شویم» و نیز آنجا که روابط انسانی بین اساتید و دانشجویان کشورمان را زیر سؤال برده بود. واکنش های جامعه علمی کشور به آن مصاحبه بسیار غیورانه و قابل تحسین بود و البته یک سؤال در همه این سخنان به شکل‌های گوناگون تکرار می‌شد و آن اینکه موضع وزارت علوم در این شماره به نامه دردمندانه یک استاد و مصاحبه با اساتید دیگر دانشگاه بسنده می‌کند و این باب را برای هفته‌های آتی نیز مفتوح می‌گذارد.

نامه یک استاد دانشگاه در پاسخ به مصاحبه مدیرکل بورس



«**امام خمینی (ه):**

ما تا نفهیمیم که

خودمان هم یک

شخصیتی داریم،

مسلمان‌ها هم یک

گروهی هستند

و شخصیتی دارند

و می‌توانند خودشان

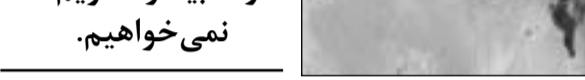
هم کار انجام بدهند،

تا نخواهیم یک

کاری را، نمی‌توانیم

و تا بیدار نشویم،

نمی‌خواهیم.



علوم انسانی تحقق یافته شماست؟ آیا غارت خانه‌ها و فروشگاه‌ها پس از یک زلزله و حتی پس از حادثه سانحختگی ۱۱ سپتامبر در کعبه آمده آنگاه فردرگان، همان تحقق علوم انسانی؟ شماست؟ سرقت اطلاعات و اسرار شخصی مردم توسط شبکه‌های جاسوسی که سکان کنترل فضای مجازی و شبکه‌های رایانه‌ای را در دست دارند، علوم انسانی موردنظر شماست؟ اگر بگویید نه بفرمایید یک جامعه بدون این رفتارها چه چیزی به عنوان فرهنگ و علوم انسانی برای عرضه دارد؟ و اگر بگویید بله باید عرض کنم که ما این علوم انسانی را نمی‌خواهیم همان طور که امام راحل عظیم الشان، با قاطعیت گفتند ما نمی‌خواهیم. آقای دکتر، به واقع روابط انسانی در کشور و دانشگاه‌های ما با غرب قابل مقایسه است؟ آیا حرمت و حریم خصوصی افراد، آزادی‌های انسانی و مشروع و... در ایران رعایت نمی‌شود؟ مشکل این است که خودباوری که امام راحل در جان و روح این ملت تزریق کردند و آثار آن چشم جهانیان را خیره کرده، هنوز برای برخی‌ها قابل قبول نیست ببینید امام راحل درباره خودباوری چه فرموده‌اند و مقایسه کنید با مصاحبه هفته قبل:

«پاس از جنود ابلیس است، یعنی شیطان‌ها انسان را به پاس وا می‌دارند. همین ابلیس‌هایی همین‌هایی که به ملت‌های ضعیف که می‌بینند در طول تاریخ ملت‌های ضعیف را مایوس کرده‌اند تزریق کردند که ما هیچ نمی‌دانیم و هیچ نمی‌توانیم. همین‌هایی که به ملت‌های ضعیف به واسطه وابستگی‌شان به خارج گفتند که ما باید غربی باشیم. ما ارتشمان هم باید از غرب برایش یک کسی بیاید. کارخانه‌ایمان هم باید از غرب بیاید راهش بیندازد. ما باید این جنود ابلیس را کنار بزنیم. امید، که از جنودالله است در خودمان زنده بکنیم. به خودمان امیدوار باشیم. تکیه به اراده خودمان بکنیم. تبع اراده دیگران نباشیم.»(صحیفه امام ۱۷)

در خاتمه پرسش از وزیر محترم علوم آن است که آیا شخصی با دیدگاه آقای مسلمی می‌تواند برای تصدی مسئولیت یاد شده و تحقق آرمان‌های بلند امام راحل و رهبر معظم انقلاب گزینه مناسبی باشد؟! موضوع وقتی تاسف بار می‌شود که ببینیم، ضعف و نیاز شخص مصاحبه‌شونده که با یک احوال‌پرسی استاد زانی‌اش برطرف شده، وسیله توهین و تحقیر میلیون‌ها استاد و دانشجوی ایرانی می‌شود، به فرض که استاد زانی، احوال شما را پرسید و فهمید که خانواده‌داری، این چه ربطی به دانشجویان و اساتید ایرانی دارد، شما چنین نیازی داشتید و توسط ایشان برطرف شد، این چه چیزی را ثابت می‌کند؟ آیا باید خیل عظیم دانشجویان کشورمان که روابط انسانی و دوستانه با اساتید و مسئولان دانشگاه دارند را فراموش کنیم و به دنبال قبله آمال شما در ژاپن و غرب باشیم؟ آقای دکتر اگر شما ندیده‌اید یا شیفتگی غرب اجازه نداد ببینید اما اینجانب رئیس دانشگاه‌های زیادی را دیده‌ام که تا نیمه شب به دنبال حل مشکل شخصی دانشجویان بوده‌اند اساتید را دیده‌ام که از جان و دل، جانانه و بی‌ریا به دنبال کمک به فرزندان‌شان در دانشگاه بوده‌اند و حتی کمک مالی به آنها کرده‌اند. آن وقت الگوسازی شما از غرب در مقابل این نسخه‌های موجود و زنده چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟ در جایی گفته‌اید علوم انسانی در غرب تحقق پیدا کرده است و باید برویم و یاد بگیریم! آیا آنچه در غرب از فروپاشی خانواده، زندگی با سگ و گربه شاهدیم تحقق علوم انسانی موردنظر شماست؟ آیا تجارزهای تکان‌دهنده، مستی و شرب خمر و کشتار در مهدکودک و سینما



داشته‌ایم اما انظر کیفی به‌طور خاص آن زیرساخت‌هایی که می‌توانیم بگوییم علوم انسانی اسلامی و بومی هنوز به آن دسترسی پیدا نکرده‌ایم. «**در همین حوزه علوم انسانی برخی معتقدند که این مشکل با بورس کردن دانشجویان ما به خارج کشور حل می‌شود و بچه‌های ما از آنها یاد می‌گیرند و می‌آیند اینجا به داخل هم آموزش می‌دهند. نظر شما در این‌باره چیست؟**

– برعکس این مشکل با بورس کردن دانشجویان به خارج کشور تشدید می‌شود. اماحل این است که علوم انسانی را با معارف اسلامی و علوم سنتی کشور خودمان پیوند بزنیم به ویژه و به‌طور خاص با فقه و اصول فقه. ما بخش‌هایی در اصول داریم تحت عنوان مستقتلات عقلیه که می‌تواند راهگشا باشد. بهتر است به جای اینکه دانشجویانمان را بورس کنیم به خارج از کشور و به کشورهای اروپایی یا آمریکایی، آنها را به حوزه‌های علمیه بورس کنیم تا دوره‌های تحصیلی فشرده‌ای ببینند هم فقه بویشرگر داشته‌شان بیاید و هم بتوانند حالتی نیمه اجتهادی پیدا کنند تا بتوانند بفهمند که منظور دین چه بوده. به این شکل می‌توانیم پیوندهایی داشته باشیم البته در کنار آن لازم است از تجربیات حاکمیت نظام اسلامی در این‌سی‌وچهار سال استفاده کنیم تا بتوانیم یک الگوی کاملاً بومی را بدین بیابوریم.

«**الان ما چیزی حدود بیش از یک میلیون مدرس در دانشگاه‌های کشور داریم. نقش اساتید را در تزریق روحیه خودباوری چقدر می‌بینید؟**

–تا زمانی که به این جمع‌بندی برسیم که آموزش و تربیت باید توانان انجام شود ما شاهد این هستیم که اساتید صرفاً آموزش می‌دهند

و دانشجویان را انظر تربیتی به آن خودباوری نمی‌رسانند که در کشور بمانند کار علمی‌شان را انجام دهند. یک استاد وظیفه اصلی‌اش در کنار آموزش تربیت دانشجو نیز هست. متأسفانه این نگاه سکولاری که اکنون حاکم است و این دو را از هم جدا می‌دانند و حتی در سطح آموزش عالی و آموزش‌وپرورش هم هست این باعث این می‌شود که دانشجوی یک

طرفه تربیت شود. صاحب علم و تکنیک بشود اما دچار خلأ در هویت

ملی، فرهنگی و دینی بشود و خودباوری با این نگاه در او دیده نمی‌آید.

صفحه ۶

چهار شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۲

۶ جمادی الثانی ۱۴۳۴ – شماره ۲۰۶۹۶

دانشگاه در جهه-۲۶



دانشجوی

شهید

حمیدرضا

ذوالقدر

حمیدرضا ذوالقدر در ۲۱ آذر ماه ۱۳۴۵ در شهر قسا به دنیا آمد،

دومین فرزند و تنها پسر خانواده بود. کودکی مؤذنب‌متین،تیزهوش

و کنج‌کاو و مورد علاقه همه خویشان و معلمان و مربانش بود.

دوران تحصیل ابتدایی را با موفقیت پشت سر گذاشت و وارد مدرسه

راهنمایی دехدا شد. ورودش به دوره راهنمایی مصادف بود با آغاز

انقلاب و شروع فعالیت‌های سیاسی وی. در دوران راهنمایی همگام

با مربی عارفش شهید عظیم کبانی شرکت فعالی در پیشبرد انقلاب

و آگاهی یخشیدین به دوستاتش داشت و در عین حال همراه شهید

حمیدرضا بود. همیشه جلودار شاگردان ممتاز مدرسه بودند و

در کنار مبارزات درسشان را ترک نکردند. در سال ۱۳۶۰ در دبیرستان

آیتالله سعیدی در رشته ریاضی مشغول تحصیل شد و فعالیت‌های

گسترده‌ای در انجمن اسلامی و انجام مراسم‌های مختلف داشت.

با شروع جنگ تحمیلی و شهادت ننی چند از دوستاتش لفظهای

آرام نداشت. زمانی که سشش مقضی نبود برای دیدار از پدرش که

وی را به دلیل سن کم از جبهه برگرداندند. سرانجام سال ۶۱ برای

اولین بار به طور رسمی به جبهه اعزام شد و مدتی را در تپ فاطمه

الزهر(س) مشغول خدمت شد. همزمان با عملیات خیبر دویاره به

جبهه رفت و در این عملیات مجروح شد، پس از چند روز در حالی

که بهبودی کامل نیافته بود به جبهه برگشت. حمیدرضا بار دیگر در

سال ۱۳۶۴ در منطقه فاو مجروح شد اما این بار هم اهمیتی نداد و

سومین تعطیلات نوروز را هم در جبهه سپری کرد.

حمید در آبان ماه ۱۳۶۵ در رشته مهندسی شیمی کنکور سراسری

بذرفته شد، چندتایی از امتحاناتش را داد و ۲۵ آذر مجدداً عازم جبهه

شد. بالاخره پس از ۹ روز، بعد از آخرین اعزام و ۱۲ روز پس از آغاز

بیستمین بهار عرش در ۴ دی ماه ۶۵ در عملیات کربلای چهار در

حالی که فریاد یا حسین بر زبان داشت به پیشگاه خداوند سجده کرد

و در همین حال به آرزویش نائل شد.

گفت‌وگو با دکتر عمو عابدینی، رئیس پارک علم و فناوری دانشگاه تهران

مشکلاتمان را خودمان

حل می‌کنیم



کیهان: همان طور که

در جریان هستید رتبه

تولید علم ایران در جهان

رتبه ۱۲اعلام شده است

می‌خواستیم ببینم نظر شما

در این باره چیست؟ آینده

این جایگاه را چطور ارزیابی

می‌کنید؟

عمو عابدینی –دورنمای

آنچه در حوزه تولید علم است،

یعنی تولید مقاله، کتاب، منابع، قرار گرفتن در جایگاهی که بتوانیم

بشکافیم مرز دانش را، ایران در حوزه فناوری‌های جدید و تولید علم

مطابق با آینده‌پژوهی و آینده‌نگری که در این باره انجام داده‌اند چند

سال آینده رتبه زیر ۱۰ را کسب خواهد کرد و جزء ۵ کشور برتر دنیا

خواهد بود. این پیش‌بینی دورنما بحث داخلی نیست. کسانی که در

حوزه آینده‌نگری و آینده‌پژوهی در خارج از کشور کار می‌کنند این را

اعلام کرده‌اند. قطعاً این مسیر دست‌یافتنی است به شرط آن که بتوانیم

فضای موجود را حفظ کنیم و برنامه‌ریزی کنیم برای آن که در رتبه‌های

عالی‌تر قرار بگیریم. هر چه قدر به ۱۰ کشور برتر دنیا نزدیک شویم

رقابت سخت‌تر می‌شود. آنجا درواقع رسیدن به مرزهای دانشی است

که هر کشور نمی‌تواند در آن تحقیق کند. ساختار لازم فراهم شده

است. ما در این سی‌سال انقلاب شاهد بودیم تلاش شده زیرساخت

بخش علم و فناوری‌مان ارتقا پیدا کند و مدیریت خوبی باید باشد تا